

## اثر سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر تقاضای کل اقتصاد

نویسنده: دکتر سید محمد رضا سید نورانی\*

### چکیده

سرمایه گذاری مستقیم خارجی همواره موضوع بحث مکاتب و نظریه پردازان اقتصادی بوده و در اتخاذ راهبردهای توسعه مورد توجه قرار گرفته است. در ارتباط با آثار آن بر اقتصاد کشور میزبان، نظرات موافق، بر انتقال سرمایه و فن آوری پیشرفته، اشاعه مهارت های مدیریت، توسعه منابع انسانی و مالی، گسترش تجارت خارجی و در نتیجه افزایش رشد اقتصادی تأکید دارند و در مقابل، مخالفان سرمایه گذاری مستقیم خارجی، غارت منابع، تسلط بر بازارهای داخلی، تحکیم وابستگی اقتصادی، ترویج فرهنگ بیگانه، تخریب محیط زیست و اشاعه فساد مالی و اخلاقی در کشور میزبان، و در مجموع ایجاد موانع اساسی در راه توسعه اقتصادی سالم را مطرح می نمایند. اما آنچه که از پژوهش حاضر استنباط می گردد، این است که تأثیر سرمایه گذاری مستقیم خارجی در کشورهای میزبان، به شرایط محیطی ایجاد شده بر اساس نوع استراتژی توسعه اتخاذ شده بستگی دارد. به طوری که می توان اتخاذ استراتژی توسعه صادرات (برونگرا) با گرایش به خلق مزیت نسبی را عامل بهره مندی از اثرات مثبت سرمایه گذاری مستقیم خارجی دانست.

### ۱- مقدمه

خارجی تفکیک شده و از آن تعریف های متعددی شده است. اما مفهوم نهایی آنها با کمی اغماض یکسان می باشد. طبق یک تعریف، سرمایه گذاری

در متون اقتصادی، سرمایه گذاری مستقیم خارجی FDI<sup>۱</sup> از اشکال دیگر سرمایه گذاری خارجی نظیر سرمایه گذاری اسنادی و حتی وام

\*- عضو هیات علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی

1- Foreign Direct Investment

البته باید توجه داشت که توزیع FDI در بین کشورهای در حال توسعه از ناهماهنگی نسبتاً شدیدی برخوردار است، زیرا حدود ۶۸ درصد از این سرمایه‌گذاری‌ها در ۱۰ کشور سنگاپور، مکزیک، برزیل، چین، هنگ‌کنگ، مالزی، مصر، آرژانتین، تایلند، تایوان و کره جنوبی متمرکز شده‌اند. این توزیع بین کشورهای فوق‌الذکر نیز ناهماهنگ است به طوری که تنها سهم منطقه آسیا ۶۱ درصد می‌باشد (۳).

در این میان کشورهای آسیای جنوب شرقی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و حجم عمده سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی در مقایسه با سایر کشورهای در حال توسعه در این کشورها انجام شده است. برخی از اقتصاددانان یکی از علل رشد فزاینده اقتصادی این کشورها را ورود و افزایش چشمگیر FDI می‌دانند. قصد این نوشته نیز بررسی آثار FDI بر متغیرهای کلان اقتصادی طرف تقاضا - مصرف سرمایه‌گذاری، صادرات و واردات - می‌باشد.

این پژوهش ابتدا به بررسی ادبیات آثار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌پردازد و سپس ادبیات کاربردی پیرامون موضوع مورد تحقیق را مطرح می‌نماید. در قسمت سوم بعد از مدلسازی به ارائه تخمین مدل و نتیجه‌گیری پرداخته می‌شود.

مستقیم خارجی عبارت است از: سرمایه‌گذاری به منظور کسب منفعت دائمی و همیشگی در مؤسسه‌ای مستقر در کشوری غیر از کشور سرمایه‌گذار؛ و نتیجه آن کسب حق رأی مؤثر در مدیریت شرکت می‌باشد<sup>۲</sup> سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از جمله مباحثی است که در مکاتب اقتصادی مختلف مطرح بوده و همواره در اتخاذ راهبردهای توسعه مورد توجه قرار گرفته است، به طوری که حتی اقتصاددانان رادیکال، نوک پیکان مخالفت خود را به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نشانه نگرفته‌اند و با سایر اشکال سرمایه‌گذاری خارجی مخالفت می‌ورزند. همچنین روند «جهانی شدن» (روند فزاینده ارتباط و ادغام اقتصاد کشورهای جهان) که از ویژگی‌های دهه اخیر می‌باشد نیز بر اهمیت تجارت بین‌الملل و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی افزوده است، به طوری که انباشت سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی در جهان که در سال ۱۹۹۰ به ۱۵۰۰ میلیارد دلار بالغ می‌شد در سال ۱۹۹۳ به ۲۰۰۰ میلیارد دلار و در سال ۱۹۹۶ به ۳۲۰۰ میلیارد دلار بالغ گشته است که در این میان سهم کشورهای در حال توسعه از جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از ۱۷ درصد در سال ۱۹۹۰ به ۳۶/۹ درصد در سال ۱۹۹۶ رسیده است.<sup>۳</sup>

2- J. Coyne; 1995

۳- اطلاعات برگرفته از منابع زیر می‌باشد:

IFS (1998)

- World Investment Report (1997), P.

## ۲- ادبیات موضوع

دستیابی به رشد اقتصادی میسر می‌گردد. نئوکلاسیک‌ها عوامل اصلی توسعه نیافتگی کشورهای در حال توسعه را مربوط به درون این کشورها دانسته و راه‌حل توسعه آنها را در ورود فن‌آوری و تخصص مورد نیاز از خارج جست‌وجو می‌کنند.

به نظر نئوکلاسیک‌ها یکی از عوامل پایین بودن نرخ رشد در کشورهای در حال توسعه، پایین بودن سطح درآمد سرانه و بالا بودن میل نهایی به مصرف است که نتیجه آن محدودیت پس‌انداز و به تبع آن سرمایه‌گذاری می‌باشد. لذا در این کشورها سرمایه عامل کمیاب محسوب می‌شود و برای حل مشکل باید شرایطی فراهم شود تا سرمایه‌های خارجی به سوی کشورهای در حال توسعه جریان یابد. نقش دولت در این کشورها حمایت از سرمایه‌گذاران در جهت تجهیز سرمایه‌های ملی و جلب سرمایه‌های خارجی می‌باشد.

بنابراین نئوکلاسیک‌ها سرمایه خارجی را به عنوان یک عامل مثبت در رشد اقتصادی کشور میزبان تلقی می‌کنند و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را عاملی برای انتقال سرمایه، فن‌آوری پیشرفته و مدیریت کارآمد می‌دانند (۳).

### اقتصاددانان رادیکال

اقتصاددانان رادیکال، نظریه نئوکلاسیک‌ها را خوش‌بینانه می‌پندارند و موضوع توسعه کشورهای

در مورد آثار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر اقتصاد کشور میزبان نظرات مختلفی ارائه شده است و تحقیقات کاربردی متعددی وجود دارد که در این قسمت از پژوهش بعضی از آنها بررسی می‌شود.

## ۲-۱ ادبیات نظری تحقیق

این قسمت به بررسی نظرات مکاتب اقتصادی در زمینه آثار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌پردازد و به دلیل اهمیت نظرات مک دوگال<sup>۴</sup>، کوچیما<sup>۵</sup> و سازمان تجارت جهانی (WTO) در این زمینه، بررسی این سه نظریه به صورت مجزا انجام خواهد شد.

## ۲-۱-۱ نظریه مکاتب اقتصادی

در این قسمت به بررسی نظریات نئوکلاسیک‌ها، رادیکال‌ها و طرفداران آزادی جریان سرمایه در خصوص سرمایه‌گذاری خارجی می‌پردازیم:

### نئوکلاسیک‌ها

نئوکلاسیک‌ها، موضوع توسعه کشورهای جهان سوم را عمدتاً با معیارها و تجربه‌های کشورهای پیشرفته صنعتی بررسی می‌کنند و معتقدند این کشورها باید همان مسیر کشورهای صنعتی را طی کنند و نیل به توسعه اقتصادی از راه

4- Mac Dougall

5- Kojima

6- Paul A. Baran

عملاً به صورت ابزاری برای تحکیم این تابعیت در آمده است. به نظر این گروه، سرمایه گذاری خارجی در این کشورها غالباً سبب تابعیت بیشتر سیاسی و اقتصادی شده و تحت سلطه درآمدن بازارهای داخلی، ترویج فرهنگ بیگانه، تخریب محیط زیست و در بعضی موارد اشاعه فساد مالی و اخلاقی و رویهم رفته ایجاد موانع پنهان و آشکار در راه توسعه اقتصادی سالم را موجب شده است.

#### طرفداران آزادی جریان سرمایه

این گروه نظریه رادیکالها را غیر واقعی و بدبینانه می دانند و با استناد به تجربه های عینی برخی کشورهای در حال توسعه، مزایای سرمایه گذاری خارجی را مورد تأکید قرار می دهند. به عقیده آنها سرمایه گذاری مستقیم خارجی باعث انتقال دانش فنی، توسعه منابع انسانی، اشاعه مهارت های مدیریت و گسترش تجارت خارجی به ویژه دستیابی به بازارهای جدید صادراتی می باشد. همچنین سرمایه گذاری مستقیم خارجی برتر از پرداخت های کشور میزبان، آثار مثبت دارد و بهره وری را در اقتصاد بالا می برد.<sup>۷</sup>

به عنوان مثال در کشورهای مالزی، فیلیپین و مکزیک ۵۰ درصد صادرات صنعتی به شرکت های خارجی مربوط می باشد و همین مقدار در تایلند به حدود ۷۵٪ می رسد.<sup>۷</sup> همچنین سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر اشتغال مؤثر است به نحوی که در سنگاپور اشتغال ناشی از سرمایه گذاری خارجی

پیشرفته و در حال توسعه را دو موضوع کاملاً جدا می دانند و معتقدند وضعیت کنونی کشورهای در حال توسعه با شرایط گذشته کشورهای توسعه یافته فعلی تفاوت دارد. لذا تجربه های کشورهای پیشرفته را نمی توان تعمیم داد. همچنین نظام اقتصادی کنونی جهان ناعادلانه است و در جهت محروم ساختن محرومان عمل می نماید.

پل باران<sup>۶</sup> یکی از اقتصاددانان رادیکال معتقد است سرمایه داری نه تنها از بهبود مادی کشورهای جهان سوم ناتوان است بلکه عملکرد آن ویژگی های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی این کشورها را تخریب نموده و نارسایی ها و تضادهای ذاتی خود را به این کشورها منتقل ساخته است. باران، رابطه موجود بین شرکت های چند ملیتی با کشورهای در حال توسعه را غیر منصفانه می داند و معتقد است منابع مؤسسات چند ملیتی از طریق تسلط آنها بر منابع طبیعی و بازارهای خارجی تأمین می شود.

گروهی از رادیکالها که به تئورسین های مکتب وابستگی معروف شده اند، توسعه نیافتگی را عمدتاً معلول وابستگی کشورهای در حال توسعه به کشورهای پیشرفته سرمایه داری، به ویژه شرکت های چند ملیتی، می دانند.

به طور کلی براساس نظریه رادیکالها، کشورهای در حال توسعه از طریق مناسبات بازرگانی غیر منصفانه و نابرابر با کشورهای پیشرفته صنعتی، تحت استثمار و وابستگی قرار دارند و بدین ترتیب تجارت خارجی

خارجی بر اقتصاد کشور میزبان می‌پردازد.<sup>۹</sup> فرض‌های اصلی نظریه‌ی وی عبارتند از الف: اقتصاد در شرایط رقابت کامل است. ب: موازنه‌ی پرداخت‌ها در تعادل می‌باشد. ج: تأثیرات ادوار تجاری صفر است. د: بازده ثابت نسبت به مقیاس وجود دارد. ه: صرفه‌جویی خارجی و مالیات‌بندی وجود ندارد. براین اساس نتایجی که از مدل مک‌دوگال به دست می‌آید به طور خلاصه به قرار زیر است:

#### ۱) اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر تقاضا و تولید کالاهای سرمایه‌ای

اگر مؤسسات سرمایه‌گذار کشور مبدأ، در کشور میزبان سرمایه‌گذاری نمایند، مخارج سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد و این امر تقاضا برای کالاهای سرمایه‌ای را افزایش داده و در نتیجه قیمت آنها بالا می‌رود در نهایت کشور میزبان با افزایش تولید کالاهای سرمایه‌ای (در صورت توان) و یا واردات آنها از خارج روبه‌رو می‌شود.

#### ۲) اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر تقاضا و تولید کالاهای مصرفی

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، قیمت کالاهای سرمایه‌ای را افزایش می‌دهد و این افزایش با فرض معین بودن نیروی کار باعث بالا رفتن قیمت

در بخش صنعت بیش از ۶۰ درصد می‌باشد.<sup>۸</sup> این گروه همچنین معتقدند، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی عاملی برای انتقال دارایی از کشورهای پیشرفته به کشورهای در حال توسعه است، به طوری که سرمایه‌گذاری داخلی را نیز در کشور میزبان تشویق می‌کند. به عبارت بهتر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی قسمتی از خطرات عدم اطمینان را به عهده می‌گیرد. سایر آثار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به اعتقاد این گروه عبارت است از: انجام فعالیت‌های تحقیق و توسعه در محل، تنوع بخشیدن به ترکیب صادرات کشور میزبان، ایجاد رقابت بین دانش فنی جدید و موجود، ارتقای بهره‌وری عوامل تولید.

طرفداران روش چانه‌زنی را شاید بتوان جزو این گروه قلمداد کرد این‌ها معتقدند چگونگی توزیع منافع حاصل از سرمایه‌گذاری خارجی به چگونگی مذاکرات فی‌مابین صاحبان سرمایه و کشور میزبان و چانه‌زنی بین آنها بستگی دارد. لذا این گروه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را تشویق می‌نمایند و آثار آن را با توجه به چانه‌زنی مثبت می‌دانند.

#### ۲-۱-۲) نظریه‌ی مک‌دوگال

مک‌دوگال در مدل دو کشور - دو کالا به بررسی اثرات ایستای سرمایه‌گذاری مستقیم

8- World Bank, 1991, 96

۹- برای مطالعه بیشتر رجوع شود به: سیدنورانی، «تجزیه و تحلیل اقتصادی تأثیر سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی بر اقتصاد ایران»، ۱۳۷۴، ص ۷۰ تا ۷۶

فرض‌های فوق‌الذکر موجب افزایش صادرات و کاهش واردات کشور میزبان خواهد شد. به طور کلی نظریه مک‌دوگال با توجه به وجود انحصارات، بازدهی فزاینده نسبت به مقیاس و صرفه‌جویی‌های خارجی دارای فرض‌هایی غیر واقع‌بینانه است. لذا مجموع پیش‌بینی‌های الگو در شرایط پویا نسبتاً مبهم به نظر می‌رسد با وجود این همچنان از نظریه‌های اصلی بررسی اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر اقتصاد کشور میزبان به شمار می‌رود.

#### ۲-۱-۳ نظریه کوچیما

در این نظریه دو نوع الگوی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در نظر گرفته می‌شود، یکی با سمت‌گیری تجاری و دیگری با سمت‌گیری ضدتجاری همراه است و به طور کلی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به‌عنوان وسیله‌ای برای انتقال سرمایه، فن‌آوری و مهارت‌های مدیریتی از کشور مادر به کشور میزبان در نظر گرفته می‌شود.

براساس این نظریه هرگاه FDI تقاضای اضافی برای واردات و عرضه اضافی برای صادرات ایجاد کند، دارای سمت‌گیری تجاری بوده و در صورتی که به طور معکوس عمل نماید دارای سمت‌گیری ضدتجاری است. کوچیما نشان می‌دهد FDI با سمت‌گیری تجاری در هر دو کشور مبدأ و میزبان، افزایش دهنده رفاه می‌باشد در حالی که با سمت‌گیری ضدتجاری کاهش‌دهنده رفاه جهانی است. زیرا FDI با تجارت‌گرایی، به سرمایه‌گذاری

سرمایه نسبت به کار می‌گردد و در نتیجه به جانشینی کار برای سرمایه منجر می‌شود. این اثر همچنین تولید نهایی سرمایه را افزایش می‌دهد چون عامل کار بیشتری در تولید دخالت دارد. براین اساس اثرات بیرونی اقتصادی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی باعث افزایش بهره‌وری سرمایه و کار می‌گردد. نتیجه اینکه هم تولید کالاهای سرمایه‌ای و هم تولید کالاهای مصرفی افزایش می‌یابد. نتیجه بعدی از مدل مک‌دوگال افزایش مخارج مصرفی خصوصی می‌باشد.

#### ۳ اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر موازنه پرداخت‌ها

در این زمینه مک‌دوگال دو فرض دیگر را نیز در نظر می‌گیرد اول، موازنه پرداخت‌ها را همان‌طوری که ضرورت دارد می‌توان به طور یکنواخت تعدیل نمود، به طوری که خدمات بین - المللی را بدون هزینه اقتصادی و اجتماعی ثابت نگهداشت و سایر موارد را با نرخ‌های ارز گوناگون، یا در سطح هزینه کشور میزبان نسبت به سطح هزینه کشور مبدأ با نرخ ثابت مدنظر قرار داد. دوم، منبع مالی تجارت افزایش نمی‌یابد.

با توجه به فرض‌های بالا، سودهای به دست آمده توسط تولیدکنندگان خارجی کمتر به کشور مادر منتقل می‌شود و در نتیجه در تراز پرداخت‌ها مازاد ایجاد می‌شود. به عبارت دیگر صادرات نسبت به واردات افزایش می‌یابد. بنابراین می‌توان از موارد یاد شده، چنین نتیجه گرفت که افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در شرایط برقراری

صادرات کشور میزبان را افزایش و واردات آن را کاهش می‌دهد. بنابراین اثر مثبت روی اشتغال و تعادل تراز پرداخت‌های کشور میزبان دارد.

این نظریه، تفکر سنتی از FDI را ارائه می‌دهد که بر امکان استفاده از تولید خارجی، در داخل به منظور جانشینی برای صادرات کشور مادر به کشور میزبان تمرکز دارد و اساس آن بر تئوری‌های هکشر - اوهلین و ساموئلسون استوار است. البته این تئوری‌ها نیز بر چند فرض نه چندان واقع بینانه بنا نهاده شده‌اند.<sup>۱۱</sup> این فرض‌ها عبارتند از:

- ۱- امکان جابه‌جایی کامل کالاها بین کشورها
- ۲- یکسان بودن توابع تولید و در نتیجه دانش فنی در کشورهای طرف تجاری
- ۳- همگن بودن سلیقه‌ها در کشورهای طرف تجاری

- ۴- نبود موانع در تجارت بین کشورها
- ۵- ایستا بودن مدل

با نگاهی به فرض‌های فوق و واقعیت‌های دنیای امروز مشخص است که نمی‌توان چندان به نتایج مدل استوار بر این فرض‌ها اعتماد داشت. مثلاً یکسان بودن توابع تولید و همچنین نبود موانع در تجارت بین کشورها، با آنچه که هم اکنون در عالم واقع وجود دارد، در تضاد است به همین دلیل نتایج بررسی‌های متعدد درباره بعضی از کشورها - و به خصوص کشورهای آمریکای لاتین - خلاف ادعاهای این نظریه را به اثبات می‌رسانند.

همچنین یکی دیگر از اشکال‌هایی که بر نظریه

در صناعی از کشور میزبان می‌انجامد که در کشور مادر از عدم مزیت نسبی برخوردار است و این امر تجارت بین دو کشور را گسترش می‌دهد و بازسازی صنعتی را در دو کشور شتاب می‌بخشد. در مقابل، FDI با سمت‌گیری ضدتجاری با سرمایه‌گذاری در صناعی از کشور میزبان اتفاق می‌افتد که احتمالاً کشور مادر در آن از مزیت نسبی برخوردار است که این سبب کاهش تجارت بین‌المللی و بازسازی صنعت در جهتی مخالف با مزیت‌های نسبی می‌شود. در نتیجه شاهد کاهش رفاه در هر دو کشور می‌باشیم. در ضمن این نوع FDI، مشکلات تراز پرداخت‌ها را حل نکرده و حمایت‌گرایی تجاری را تشویق می‌نماید.<sup>۱۲</sup>

کوجیما نظریه خود را برای بررسی الگوی سرمایه‌گذاری ژاپن و آمریکا ارائه داده است و به طور کلی این نظریه تحت چارچوب بررسی‌های علی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مطرح شده است به هر حال به دلیل نتایج مفید آن، در این پژوهش نیز ارائه شده است.

#### ۲-۱-۴ نظریه سازمان تجارت جهانی (WTO)

این نظریه در دو قسمت ارائه می‌شود: اثر سیاست‌های تجاری بر FDI و اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر تجارت کشور میزبان و مادر. در ارتباط با قسمت دوم غالباً بیان می‌شود FDI صادرات کشور مادر را کاهش و واردات آن را افزایش می‌دهد و همچنین بیان می‌شود FDI

10- Kojima, 1990

11- WTO, 1996

ملی شش کشور (کنیا، جامائیکا، هندوستان، کلمبیا، مالزی و ایران) نتیجه می‌گیرند: اثر این شرکت‌ها بر موازنه پرداخت‌های تمام کشورها به جز کنیا منفی بوده است و اثر آنها بر تولید ملی شش کشور فوق مثبت بوده است (۵).

استور<sup>۱۳</sup>: در صورت عدم تغییر سیاست‌های کلان اقتصادی دولت بریتانیا، FDI تأثیر مثبت بر خالص موازنه پرداخت‌ها می‌گذارد (۵).

نفری (۱۳۷۳) طی بررسی تکامل تدریجی سرمایه‌گذاری مستقیم آمریکا در مکزیک به مدت صد سال نتیجه می‌گیرد این سرمایه‌گذاری اثرات زیان‌آوری بر رشد و توسعه بالقوه اقتصاد کشور مکزیک داشته و مشکلات موازنه پرداخت‌های آن بیشتر شده است (۷).

لیپسی و بلومستروم<sup>۱۴</sup>: سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به دلیل همراه داشتن دانش فنی، مهارت‌های مدیریت، فن‌آوری برتر، کارایی بالاتر و دستیابی بیشتر به بازارهای کشورهای صنعتی باعث افزایش رشد اقتصادی کشور میزبان می‌شود (۲۰).

جوردن و فریک والهن<sup>۱۵</sup>، کمک‌های خارجی تولیدی را در بلندمدت بر اشتغال، مؤثر نمی‌دانند (۵).

شهرستانی<sup>۱۶</sup>، در بررسی اثر FDI بر سرمایه‌گذاری داخلی، مصرف خصوصی، موازنه تجاری و اشتغال کشور میزبان در مورد آمریکا و

WTO وارد می‌باشد، عبارت است از اینکه الزاماً کل صادرات کشور مادربه کشور میزبان بر اثر FDI کاهش نخواهد یافت. زیرا وقتی بنگاه‌های کشور مادر در کشور میزبان سرمایه‌گذاری می‌کنند، احتمالاً صادرات کالاها و خدمات واسطه‌ای را از کشور مادر افزایش می‌دهند، که در جلوگیری از کاهش صادرات کل مؤثر است.

نتیجه‌ای که از بررسی ادبیات نظری موضوع تأثیر FDI بر اقتصاد کشور میزبان گرفته می‌شود به لحاظ نظری کاملاً واضح نیست، به خصوص بر تجارت کشور میزبان. لذا باید از دلایل تجربی نیز سود جست و برای تکمیل نتایج تئوری استفاده کرد.

## ۲-۲ ادبیات کاربردی تحقیق

در این قسمت اهم کارهای تجربی انجام شده درباره اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی FDI بر رشد اقتصادی و سایر متغیرهای کلان اقتصادی مطرح می‌شود و سپس مدل‌های تجربی به کار رفته برای ارزیابی و تخمین چنین اثری مورد بررسی قرار می‌گیرند.

### ۲-۲-۱ اثر FDI بر رشد و سایر متغیرهای کلان اقتصادی

لال و استرتن<sup>۱۲</sup>، بعد از بررسی عملکرد ۱۵۹ شرکت چندملیتی بر موازنه پرداخت‌ها و تولید

12- Lall and Streeten, 1960

13- M. D. Stever, 1973

14- Lipsey &amp; Blomstrom, 1981

15- G. Jordan and J. Frik Valhne, 1981

16- H. Shahrestani, 1984



آمریکایی در این مناطق باعث تشویق صادرات نگریده‌است (۲).

ریور و بتیز<sup>۲۱</sup>: FDI نه فقط اشتغال در صنایع را مستقیماً ایجاد می‌کند بلکه به طور ضمنی باعث ایجاد اشتغال در بخش خدمات نیز می‌شود (۳).

ونگ و بلومستروم<sup>۲۲</sup>: انتقال فن‌آوری در سطح بین‌المللی به وسیله FDI به صورت یک پدیده درون‌زا در یک مدل ظاهر می‌شود و نرخ انتقال فن‌آوری توسط شرکت‌های چند ملیتی افزایش می‌یابد (۴).

لیود<sup>۲۳</sup>: سرمایه‌گذاری داخلی، آموزش، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و صادرات بر رشد اقتصادی کشور میزبان، اثر مثبت دارند و اثر سرمایه‌گذاری داخلی قوی‌تر از دیگران می‌باشد (۵).

زین‌الدین<sup>۲۴</sup>: سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی غیر مستقیم اما پویا کمک چشمگیری به کسب دانش از طریق تجربه، تغییرات فن‌آوری و انتقال کارایی بین بازارها و همچنین افزایش رقابت می‌کند و از این طریق افزایش اشتغال، صادرات و درآمد مالیاتی دولت را به همراه دارد (۶).

جانسن<sup>۲۵</sup>: تأثیر FDI بر متغیرهای کلان اقتصادی در کشور تایلند نظیر سرمایه‌گذاری خصوصی و تراز پرداخت‌های کشور را مورد بررسی قرار می‌دهد و نتیجه می‌گیرد FDI اثر مثبت بر رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری خصوصی دارد

کانادا نتیجه می‌گیرد، سرمایه‌گذاری مستقیم کشور آمریکا در کانادا موجب افزایش تقاضای کل و اشتغال نیروی کار ماهر شده است (۳۷).

سانتیاگو<sup>۱۷</sup>: FDI اثر مثبت بر سهم محصولات صنعتی صادر شده دارد (۲۱).

سالتز و ایرا<sup>۱۸</sup>: در تحقیق خود مطرح نمودند که تحقیقات تجربی انجام شده نشان می‌دهند سهم تقاضای خارجی و تقاضای بخش تولیدات داخلی در تقاضای کل کشور میزبان با سطح نفوذ FDI به طور مثبت همبستگی دارد و در مدلی نتیجه می‌گیرند، بین FDI و سرمایه‌بری صنایع، همبستگی مثبت وجود دارد (۵).

خرمی<sup>۱۹</sup>: در سیستم نرخ ارز ثابت با افزایش جریان منابع خارجی به کشورهای در حال توسعه، رشد تولید افزایش و موازنه پرداخت‌ها بهبود می‌یابد (۵).

سید نورانی (۱۹۸۹)، در تحقیقی عملکرد شرکت‌های چند ملیتی در ایران قبل از انقلاب را با بررسی گزارش‌های مالی شش شرکت چند ملیتی بررسی نمود و نتیجه گرفت عملکرد آنها اثر منفی بر موازنه پرداخت‌های ایران نداشته است (۵).

هیل<sup>۲۰</sup>: حضور شرکت‌های چند ملیتی در کشورهای آسیای جنوب شرقی منجر به افزایش فرصت‌های شغلی و رشد درآمد شده است. اما انجام FDI از طرف شرکت‌های چند ملیتی

17- C. Santiago, 1987

18- Saltz & IRA. S, 1989

19- F.Khorrami, 1989

20- Hill, 1990

21- F. L. Rivera & Batiz, 1991

22- J. Y. Wang & Blomstrom. M, 1992

23- C.R. Lloyd, 1993

24- Zainuddin, 1994

25- K. Jansen, 1995

میزبان رابطه مثبت دارد. به طوری که افزایش اندازه کشور باعث FDI پراکنده می شود. اما بهبود دسترسی به بازار موجب FDI با جهت گیری صادراتی شده و احتمال بیشتری دارد اقتصادهای ادغام شده از ثمره FDI بهره برداری بیشتری نمایند (۳).

کراسز<sup>۲۹</sup>: سهم سرمایه گذاری مستقیم خارجی نسبت به سهم سرمایه گذاری اسنادی از کل سرمایه گذاری خارجی در کشور اسلواکی در حال افزایش است و اثر سرمایه گذاری خارجی بر رشد صادرات مثبت و بسیار قوی می باشد (۴).

گراهام<sup>۳۰</sup>: همبستگی مثبت بین FDI و صادرات کشورهای آسیای شرقی، کشورهای اروپایی و جهان وجود دارد و رابطه مثبت و ضعیفی بین انباشت FDI و واردات بخش کارخانه ای آمریکا دیده می شود (۵).

سازمان تجارت جهانی<sup>۳۱</sup>: FDI و تجارت بین المللی عموماً پشتیبان دو طرفه هستند و با یکدیگر نقش اصلی را در جهانی شدن اقتصاد ایفا می کنند و دیگر اینکه FDI موجب افزایش تحرک بین المللی و در نتیجه استفاده کارا تر از عرضه جهانی سرمایه و فن آوری، تشکیلات سازمانی، مدیریت و مهارت های بازاریابی می شود (۶).

پین و بارل<sup>۳۲</sup>، با بررسی نقش FDI در انتقال فن آوری، نتیجه می گیرند نوع سرمایه گذاری در

اما باعث بدتر شدن تعادل تراز پرداخت ها می شود. البته افزایش FDI بین سال های ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۱، اثر مثبت بر رشد صادرات داشته اما واردات نیز سریعاً افزایش یافته و به دنبال آن وابستگی وارداتی تشدید شده است (۷).

لانگ سی<sup>۲۶</sup>: FDI در مرحله اولیه ورود باعث ایجاد اختلال در توزیع درآمد می شود. اما به تدریج به دلیل افزایش رشد اقتصادی حاصل از FDI، توزیع ناعادلانه درآمد رو به بهبود می گذارد (۸).

چن و زانگ<sup>۲۷</sup>: یکی از فاکتورهای اصلی توضیح دهنده رشد خوب و دو رقمی کشور چین در سال های نیمه اول دهه ۱۹۹۰ حضور شرکت های چند ملیتی و افزایش جریان ورودی FDI به بعد بوده است (۱).

نفری و شرکا (۱۳۷۵ - ۱۹۹۶)، طی بررسی امکانات جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی از کشورهای حوزه اقیانوس هند نتیجه گرفتند؛ اتکاب بر سرمایه گذاری مستقیم خارجی نباید جایگزین تحقیق و توسعه داخلی شود. زیرا فن آوری خارجی باید به عنوان یک داده، در فرایند رشد اقتصادی داخلی جذب شود. برای بهره مندی از اثرات مثبت سرمایه گذاری مستقیم خارجی باید شرایط محیطی براساس نیروهای بازار فراهم گردد (۲).

موتا و نورمن<sup>۲۸</sup>: تأثیر جهانی شدن اقتصاد بر FDI با میزان تأثیرگذاری FDI بر اقتصاد کشور

26- Longtsai, 1995

27- C. Chen, chang &amp; Y. Zhang, 1995

28- M. Motta &amp; G.Norman, 1996

29- P. Karasz, 1996

30- E. M. Graham, 1996

31- W.T.O, 1996

32- R. Barrell &amp; N. Pain, 1997

FK سرمایه‌گذاری خارجی در صنعت K، SK سرمایه متمرکز در صنعت K، CK سطوح تمرکز بازار در صنعت K،  $\pi_k$  سود در گروه صنعتی،  $\frac{L_k}{L_k^*G}$  هزینه‌های نیروهای کار ویژه در صنعت K،  $\frac{R_k}{R_k^*}$  هزینه‌های سوخت در صنعت K،  $\frac{P_k}{P_k^*}$  سودها،  $\frac{G_k}{G_k^*}$  بهره‌وری در پرتوریکو و EK درصد محصول صنعتی صادر شده می‌باشند. بر این اساس نتایج تجربی نشان می‌دهد FDI روی سهم محصول صنعتی صادره شده اثر مثبت دارد (۵).

شیر<sup>۳۷</sup>، در تحقیقی برای کشور پاکستان، طی مدلی به صورت معادلات همزمان، اثر سرمایه‌گذاری خصوصی خارجی (شامل FDI) بر رشد اقتصادی را مورد مطالعه قرار داده است و از آنجا که طبق نظریه‌های موجود<sup>۳۸</sup> بعضی معتقدند FDI بر پس‌انداز اثر منفی دارد. بنابراین پس‌انداز هم به عنوان متغیر درون‌زا وارد مدل شده است.

$$GR_t = \alpha_0 + \alpha_1 S_t + \alpha_2 FPI_t + \alpha_3 DISB_t + \alpha_4 XM_t + \mu_t$$

$$S_t = B_0 + B_1 GR_t + B_2 FPI_t + B_3 DISB_t + B_4 RINT_t + U_t$$

در این مدل به جز متغیرهای GR و S بقیه متغیرها برون‌زا هستند و عبارتند از:

GR = نرخ رشد سالانه GNP واقعی، FPI = جریان ورود سرمایه‌گذاری خصوصی خارجی نسبت به GNP

DISB = سایر پرداختی‌های خارجی به کشور پاکستان شامل وجوه بلاعوض مؤسسات دولتی در

کشور میزبان به ویژگی‌های آن کشور بستگی دارد و FDI باعث رشد اقتصادی می‌شود. همچنین انباشت خروجی خالص FDI بر عملکرد صادراتی چهار کشور انگلستان، آلمان، فرانسه و سوئد اثر مهمی دارد (۱).

براکلی و باری<sup>۳۳</sup>: جریان ورودی FDI در کشور ایرلند، نرخ بازدهی فعالیت‌ها را افزایش داده، کشور را از مزیت سطوح بالاتر مهارت‌ها بهره‌مند کرده و بر اشتغال، اثر مثبت داشته است (۲).

لیپورد و بایوکی<sup>۳۴</sup>: جریان خروجی FDI از ژاپن اثر موقت بر صادرات آن داشته اما بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۵ جریان خروجی سرمایه، موجب افزایش واردات ژاپن شده است (۳).

سوامی و پاتانایک<sup>۳۵</sup>: FDI موجب افزایش صادرات هند شده اما واردات را نیز افزایش داده است در ضمن FDI بر رشد اقتصادی هند اثر مثبتی داشته است (۴).

۲-۲-۲ مدل‌های تجربی برآورد شده برای ارزیابی اثر FDI بر متغیرهای کلان اقتصادی

سانتیاگو<sup>۳۶</sup>: با استفاده از روش دو مرحله‌ای برای کشور پرتوریکو ابتدا عوامل مؤثر در جذب FDI و در مرحله دوم اثر FDI روی صادرات صنعتی را به قرار زیر تخمین می‌زند:

$$F_k = \alpha_0 + S_k + \alpha_1 K_k + \alpha_2 C_k + \alpha_3 \pi_k + \alpha_4 (\frac{K}{K^*}) + \alpha_5 (\frac{GK}{GK^*}) + \alpha_6 (\frac{PK}{pk^*}) + \alpha_7 (\frac{PK}{pk^*}) + \epsilon_k E_k = B_0 + B_1 F_k + Y_k$$

33- F. Barry & j. Bragley, 1997

35- S. Pattanaik & B.N.A Swamy, 1997

37- T. Shabbir, 1992

34- T. Bayouci & G. Lipworth, 1997

36- C. Santiago, 1987

38- Enos, 1976 & Griffin, 1984

کالاها و خدمات،  $X_d$  تقاضای صادرات از جهان و  $X_s$  عرضه صادرات می باشند و  $Y_x$  و  $Y_w$  به ترتیب عبارتند از: GNP، تولید قابل صدور و GNP جهانی.

نتایج برای سه کشور بدین قرار است. در کره FDI ژاپن اثر مثبت و FDI آمریکا اثر منفی بر صادرات دارد، در تایوان سرمایه ژاپنی اثر منفی، سرمایه داخلی و آمریکا اثری مثبت اما ناچیز و سرمایه چینی اثر نسبتاً قابل ملاحظه‌ای روی صادرات دارند. در تایلند سرمایه ژاپنی اثر منفی اما سایر سرمایه‌ها اعم از داخلی و خارجی اثری مثبت بر صادرات دارند (۱).

جانسن<sup>۴۰</sup>، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در تایلند و تأثیر آن بر متغیرهای کلان اقتصادی عنوان تحقیقی نسبتاً جامع است که به مطالعه حاضر، نزدیکی زیادی دارد. در این کار تحقیقی جریان ورود FDI از سایر جریان‌های ورودی سرمایه خارجی تفکیک شده و مزیت آن اینگونه بیان می‌شود: انتقال فن آوری، مدیریت برتر، دستیابی به بازارهای جدید و افزایش کارایی تولید در مقاله مذکور برای ارزیابی اثر FDI بر رشد اقتصادی، ۲۰ معادله در نظر گرفته شده که شامل متغیرهایی مانند رشد اقتصادی، تولید، سرمایه‌گذاری خصوصی، سرمایه‌گذاری دولتی، مصرف خصوصی، پس‌انداز خصوصی، تأمین مالی کسری بودجه از وجوه داخلی، حجم پول، وام‌های بلندمدت و کوتاه مدت و تراز پرداخت‌ها و ... می‌باشد.

در یکی از معادلات مذکور تابع سرمایه‌گذاری

طول یکسال نسبت به GNP = S = نسبت پس‌انداز ملی به GNP،  $X/M$  = نسبت صادرات کالاها و خدمات به GNP،  $R/INT$  = نرخ بهره واقعی

بعد از تخمین مدل با روش SLS 2 ضریب متغیر FPI در معادله مربوط به رشد حدود ۷/۸۹ واحد و در معادله پس‌انداز ۹/۵۷ واحد برآورد شد. در این مدل به دلیل فقدان آمار سری زمانی مورد نیاز، ضریب تعیین مدل در حد پائینی قرار دارد با این وجود می‌توان نتیجه گرفت سرمایه‌گذاری خصوصی خارجی اثر قابل ملاحظه‌ای در رشد اقتصادی کشور پاکستان داشته است (۱).

نایا و رامستتر<sup>۳۹</sup>، رابطه بین FDI و صادرات کشورهای کره، تایوان و تایلند را مورد آزمون قرار داده‌اند برای این منظور مدل زیر در نظر گرفته شده است:

$$X = X_s = Y_x - C_x = X_g \left( Y_w, \frac{P_x}{P_w} \right) =$$

$$X(L, KD, KF, \frac{P_x}{P_y}, Y_w, \frac{P_x}{P_w})$$

$$Y_x = Y_x(L, KD, KF), Y = Y(L, KD, KF),$$

$$C_x = C_x(Y, \frac{P_x}{P_y})$$

$C_x$  مصرف وارداتی، KD انباشت سرمایه داخلی، KF انباشت سرمایه خارجی، L داده نیروی کار،  $P_x$  شاخص قیمت صادرات،  $P_y$  شاخص قیمت GNP،  $P_w$  شاخص قیمت جهانی، X صادرات

سرمایه‌گذاری خارجی در این کشور به صورت مدل زیر مورد آزمون قرار گرفت:

$$EXP = 20/238 + 2/389 \text{ Forcap}$$

$$(6/082) \quad (9/887)$$

$$RSQ = 0/916, \quad DW = 2/26$$

که در آن EXP صادرات اسلواکی و Forcap سرمایه‌گذاری خارجی در اسلواکی می‌باشند (۲). لیپورد و بایوکی<sup>۴۲</sup>، برای بررسی نقش جریان خروجی FDI بر صادرات و واردات ژاپن در کوتاه مدت و بلند مدت توابع زیر را ارائه کردند:

$$EXP = X(Y_i, E_i, FDI_i, STOCK_i)$$

$$IMP = M(Y_i, E_i, FDI_i, STOCK_i)$$

که در آن EXP و IBM به ترتیب کل صادرات و کل واردات ژاپن،  $Y_i$  و  $E_i$  تولید واقعی و نرخ ارز در کشور  $i$ ،  $FDI_i$  و  $STOCK_i$  سرمایه‌گذاری خارجی ژاپن در کشور  $i$  و انباشته سرمایه ژاپن در کشور  $i$  برای بررسی اثرات کوتاه مدت و بلند مدت FDI ژاپن بر صادرات و واردات می‌باشند. با استفاده از آمار سال‌های ۹۵-۱۹۸۵ و به کارگیری متغیرها به شکل لگاریتمی FDI تنها، اثر موقتی بر صادرات ژاپن دارد و همچنین طی سال‌های ۹۵-۹۰ جریان خروجی FDI موجب افزایش واردات ژاپن تا حدود ۱۰ درصد شده است (۳).

خصوصی این چنین تعریف شده است:

$$I_{pr} = f(XD, I_{pu}(t-1), FDI, RER, \frac{FD}{Y})$$

که  $XD =$  مازاد تقاضا،  $I_{pu}(t-1) =$  سرمایه‌گذاری دولتی در دوره قبل،  $\frac{FD}{Y} =$  خالص بدهی خارجی نسبت به تولید،  $RER =$  نرخ واقعی ارز و  $FDI =$  سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌باشند. در معادله دیگری رابطه بین FDI و صادرات این چنین نمایش داده شده است:

$$X = f(Y_c, RER, FDI)$$

که  $X$  و  $Y_c$  به ترتیب عبارتند از: صادرات و ظرفیت تولیدی.

بعد از تخمین مدل، اثر سرمایه‌گذاری دولتی و FDI بر سرمایه‌گذاری خصوصی مثبت ارزیابی شد و همچنین با تعریف تولید به صورت زیر: خالص صادرات + سرمایه‌گذاری دولتی + سرمایه‌گذاری خصوصی + مصرف دولتی + مصرف خصوصی = تولید بعد از اثر پذیری سرمایه‌گذاری خصوصی از FDI، رشد اقتصادی نیز افزایش یافته است سایر نتایج بدین قرار است: جریان ورودی FDI به تایلند به خصوص در سال‌های اخیر از سمت‌گیری تجاری برخوردار بوده و باعث افزایش صادرات شده است. همچنین FDI به انتقال فن‌آوری‌های جدید کمک کرده و از این طریق کارایی اقتصادی افزایش یافته است (۱).

پاول کاراز<sup>۴۱</sup>، رابطه بین صادرات اسلواکی و

## ۳- الگوسازی و تخمین

منظور کسب بهترین نتایج آماری متغیر FDI، با وقفه‌های مختلف در معادله آزمون شده‌اند و نتیجه نهایی، بهترین حالت ممکن می‌باشد. همچنین وقوع همخطی شدید بین متغیرهای GDP و GDPT در معادله صادرات و بین RFDI و RSFDI در معادله‌های صادرات و واردات پیش‌بینی می‌شود و در صورت وقوع چنین مشکلی در تخمین معادلات مذکور، به حذف یک متغیر به منظور کسب نتیجه مناسب و براساس آزمون حذف اقدام می‌گردد.

## ۴- نتیجه گیری

با توجه به روند کنونی جهانی شدن، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به عنوان عاملی برای انتقال فن‌آوری پیشرفته، مدیریت کارآمد و توسعه منابع انسانی و مالی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اما تأثیر این متغیر بر اقتصاد کشورهای در حال توسعه (میزبان) به شرایط محیطی براساس نوع استراتژی توسعه اتخاذ شده بستگی دارد. به طوری که در کشورهای مورد مطالعه، اتخاذ استراتژی برون‌گرایی توسعه صادرات با گرایش به خلق مزیت نسبی، امکان بهره‌مندی از اثرات مثبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را فراهم آورده است که این امر در تأثیر مثبت بر سرمایه‌گذاری خصوصی داخلی و خالص صادرات در بلندمدت مشاهده شده است. البته تأثیر منفی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نظیر سلطه بر منابع

اساس الگوی اقتصادی در این پژوهش، بر ۱۰ اتحاد حسابداری و ۴ معادله رفتاری استوار بوده، و کلیه متغیرها در معادلات رفتاری به صورت واقعی به کار برده شده‌اند. توابع مصرف، سرمایه‌گذاری خصوصی داخلی، صادرات و واردات برای بررسی تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر تقاضای کل اقتصاد در نظر گرفته شده است. شکل کلی توابع مذکور بر اساس نظرات متعارف اقتصادی و به صورت معادله خطی می‌باشد. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، در تابع مصرف بر اساس نظریه مک‌دوگال در نظر گرفته شده است. با توجه به اهمیت سرمایه‌گذاری دولتی در تشکیل سرمایه خصوصی، این متغیر با یک وقفه (تأخیر) در تابع سرمایه‌گذاری خصوصی داخلی وارد شده است و همچنین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی براساس نظریه مک‌دوگال و مطالعه تجربی جانسن<sup>۴۳</sup> در تابع مذکور داخل شده است. به منظور بررسی اثرات کوتاه مدت و بلند مدت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر صادرات و واردات، طبق نظرات کوجیما و سازمان تجارت جهانی و همچنین مطالعات تجربی عنوان شده در قسمت ادبیات کاربردی تحقیق، متغیرهای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و انباشت سرمایه مستقیم خارجی در توابع صادرات و واردات در نظر گرفته شده‌اند. تذکر این نکته ضروری است که در تخمین معادله‌های رفتاری بیان شده در جدول (۲) و به

## ضمائم

### آشنایی با سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای مورد مطالعه

#### ۱- سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در اندونزی

در دوران سوکارنو، دولت صنایع کشور را ملی اعلام کرد که این تصمیم تأثیری منفی بر تولید اندونزی گذاشت و در نتیجه از سال ۱۹۵۷ تا ۱۹۶۷ هیچ سرمایه‌گذاری خارجی در اندونزی انجام نگرفت. در دوره سوهارتو با تصویب قانون سرمایه‌گذاری خارجی در سال ۱۹۶۷، سرمایه‌گذاری خارجی در اندونزی افزایش یافت (۳۷). سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در اندونزی در دو بخش نفت و غیرنفت انجام پذیرفته است. آمریکا بزرگترین سرمایه‌گذار در بخش نفت و ژاپن بزرگترین سرمایه‌گذار در بخش غیرنفت می‌باشد. در بخش نفت بالغ بر ۴/۵ میلیارد دلار توسط شرکت‌های آمریکایی تا سال ۱۹۹۵ در اندونزی سرمایه‌گذاری شد و در بخش غیرنفت در سال ۱۹۹۰ معادل ۹ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی انجام شده است. منظور از بخش غیرنفت در اندونزی عبارت از صنایع، معادن، جنگل و بانکداری می‌باشد.

طبق قانون سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۹۶۷ در اندونزی، شریک داخلی (اندونزیایی) نباید کمتر از ۲۰ درصد سهم داشته باشد و در طول ۱۰ سال سهم شریک داخلی باید به ۵۱ درصد افزایش یابد. البته در سال‌های اخیر به شریک خارجی اجازه داده شده است تا ۹۵ درصد سهم داشته باشد و سهم شریک داخلی تا حد ۵ درصد در

طبیعی کشور میزبان و ترویج فرهنگ مصرف‌گرایی را نباید از نظر دور داشت که این امر از تأثیر مثبت FDI بر مصرف خصوصی نمایان است. لذا برای بهره‌برداری هرچه بیشتر از منافع و احتراز از مضرات سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی باید به اعطای تسهیلات به سرمایه‌گذاران خارجی در چارچوب توسعه منافع ملی و تحت استراتژی توسعه معین مانند توسعه صادرات کالاهای کارخانه‌ای، اقدام نمود.

همچنین توصیه می‌شود سازمانی تخصصی با ایجاد پایگاه اطلاعاتی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را در راستای منافع ملی هدایت نموده و با ارائه خدمات کارشناسی به شرکت‌های خصوصی داخلی، موجبات تقویت توان مذاکره با شرکت‌های سرمایه‌گذار خارجی را فراهم نماید.

از نظر منافع ملی کشورمان، علاوه بر مسائل تخصصی و قدرت چانه‌زنی بنگاه‌ها در سطح جهانی، لازم است موضوع امنیت ملی و استقلال کشور که از نظر جمهوری اسلامی دارای درجه اول اهمیت می‌باشد، نیز مورد توجه قرار گیرد. زیرا چنانکه سابقه نشان می‌دهد، سرمایه‌گذاری‌های خارجی (به علت امتیازاتی که سرمایه‌گذاران در پی آن هستند) اکثراً موجبات وابستگی اقتصادی در همه ابعاد را فراهم می‌سازند که می‌تواند زمینه ساز وابستگی‌های سیاسی باشد.

بنابراین با وجود نتایج مثبتی که مدل به کار گرفته شده نشان می‌دهد، توجه دقیق به پیامدهای اینگونه سرمایه‌گذاری‌ها توصیه می‌شود.

سرمایه‌گذاری در تایلند، «هیأت سرمایه‌گذاری» با هدف گسترش و ایجاد تسهیلات در روند صنعتی شدن تایلند و توسعه زمینه‌های اقتصادی علاوه بر جنبه‌های کشاورزی و تجاری تأسیس شد. این هیأت، تایلند را به سه منطقه تقسیم کرد تا از این طریق برای سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی انگیزه ایجاد شود، و بازارهای صادراتی به وجود آید و در نهایت به کسب درآمد ارزی برای تایلند منجر گردد. معیارهای عمده تصویب طرح‌های سرمایه‌گذاری در تایلند عبارتند از: میزان تقاضای بازار، هزینه تولید، ارزش افزوده مربوط به محصولات، نسبت بدهی به سرمایه ثبت شده شرکت جدید، روش‌های تولید و ماشین آلات مدرن.

برخی از تصمیماتی که برای تشویق سرمایه‌گذاری خارجی در تایلند اتخاذ شده است به شرح ذیل می‌باشند:

۱- در برخی از مناطق، معافیت مالیاتی شامل ماشین‌آلاتی می‌شود که محصولات تولیدی آن صادر می‌شوند.

۲- در برخی از مناطق، سرمایه‌گذاری شامل ۵۰ درصد معافیت مالیاتی می‌شود.

۳- معافیت مالیاتی سه تا پنج سال برای پروژه‌هایی که حداقل سالانه یک میلیون دلار درآمد ارزی داشته باشند یا در فعالیت‌های اساسی کشاورزی باشند یا حداقل دو بیست نفر از کارکنان تایلند را تمام وقت استخدام کنند یا کارخانه را در اماکن صنعتی تایلند تأسیس نمایند.

شروع کار قابل قبول است و سهم شریک داخلی تا ۵۱ درصد برای یک دوره ۲۰ ساله انجام می‌گیرد (۳۷).

همانطور که در جدول شماره (۱) مشاهده می‌شود، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در اندونزی از ۸۳ میلیون دلار در سال ۱۹۷۰ به ۴۶۷۷ میلیون دلار در سال ۱۹۹۷ رسیده است و در اکثر سال‌های مورد بررسی FDI افزایش داشته است.

دلایل عمده موفقیت اندونزی در جذب سرمایه‌های خارجی عبارتند از:

- عدم وجود کنترل‌های ارزی  
- تضمین مناسب برای سرمایه‌ها و ایجاد ثبات سیاسی داخلی که موجب امنیت محیط برای سرمایه‌گذاری است.

- مقبولیت اندونزی از طرف بانک جهانی  
- وجود منابع طبیعی و مواد اولیه ارزان و دستمزد مناسب برای نیروی کار

- وجود بازار داخلی وسیع  
- وجود روابط سیاسی ملایم و مسالمت‌آمیز با همه کشورهای جهان

البته سرمایه‌گذاران خارجی در اندونزی دارای محدودیت‌هایی برای حمایت از سرمایه‌گذاران داخلی نیز می‌باشند. این محدودیت‌ها عبارتند از:

- عدم مجوز برای بازاریابی شرکت‌های خارجی و اقدام از طریق توزیع‌کنندگان داخلی  
- عدم امکان اخذ وام از بانک‌های داخلی

۲- سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در تایلند در سال ۱۹۷۷ با تصویب قانون گسترش



سنگاپور به صورت یکی از بنادر عمده کشتی‌های مسافربر و حمل و نقل کالاها میان شرق دور و اروپا درآمد. سنگاپور یک مرکز کلیدی و یک پایگاه صادراتی و صنعتی عمده و یک مرکز توریستی و خدماتی اساسی و یکی از بزرگترین مناطق نفتی جهان است. سنگاپور پرتراфик‌ترین بندر جهان از لحاظ عبور کالاهای مختلف می‌باشد و دارای یکی از پیشرفته‌ترین فرودگاه‌ها و شبکه‌های ارتباطی است.

سنگاپور سومین مرکز پالایش نفت جهان پس از هوستون و رتردام هلند می‌باشد. نقش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سنگاپور بسیار اساسی است و ژاپن بیشترین سهم سرمایه‌گذاری در سنگاپور را داراست. سنگاپور به منظور حل مشکل بیکاری و ایجاد شغل، تلاش‌هایی را برای توسعه سرمایه‌گذاری در صنایع صادراتی پافن‌آوری کاربر نمود و از آن جمله سیاست‌هایی را برای جذب سرمایه‌های خارجی به صورت زیر اتخاذ نمود (۶):

- ۱- معافیت‌های مالیاتی برای درآمدهای اضافی حاصل از توسعه سرمایه

- ۲- اجازه بخشودگی مالیاتی معادل ۹۰ درصد برای سرمایه‌گذاران با صلاحیت و به مدت ۱۵ سال
- ۳- بخشودگی مالیاتی بهره‌ و ام‌های خارجی، حق اختراع دانش فنی و هزینه‌های کمک فنی.

با توجه به این سیاست‌ها، پس از سال ۱۹۶۷، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سنگاپور افزایش یافت، دولت سنگاپور در برنامه‌های توسعه‌ای خود طی دوره ۸۴-۱۹۷۹ با هدف بازسازی

در کشور تایلند برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی محدودیت‌هایی وجود داشت که اهم آن عبارت بود از:

- ۱- تولید نباید تنها برای توزیع داخلی باشد.
- ۲- ۵۱ درصد سهام باید متعلق به اتباع تایلند باشد.
- ۳- اگر پروژه سرمایه‌گذاری مربوط به بخش‌های کشاورزی، دامپروری، ماهیگیری، استخراج معادن و خدمات باشد، باید بیش از ۶۰ درصد سهام متعلق به اتباع تایلند باشد.

همانطور که در جدول شماره (۱) مشاهده می‌شود در تایلند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از ۴۳ میلیون سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از سال ۱۹۸۸ رشد بیشتری داشته است. عوامل مهم مؤثر در جذب سرمایه‌های خارجی در تایلند عبارتند از (۳):

- وجود ثبات سیاسی
- بالا بودن کیفیت نیروی انسانی تایلند نسبت به سایر کشورهای آ.سه. آن
- پایین بودن سطح دستمزدها
- صنایع ملی فراوان
- وجود وسایل و امکانات زیربنایی مناسب
- موقعیت استراتژیک تایلند در جنوب شرقی آسیا

- سابقه خوب در خصوص احترام به پیمان‌های اقتصادی و بازرگانی
- وجود بازارهای بزرگ مصرف در حال رشد برای محصولات صنعتی در داخل کشور

- ۳- سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سنگاپور<sup>۲۴</sup> با ایجاد کانال سوئز در مصر در دهه ۱۸۶۰،

۲۴- برای مطالعه بیشتر به مأخذ شماره ۱۰ مراجعه کنید.

درصد بود.

مالزی در جذب سرمایه گذاری خارجی در میان کشورهای خاور دور موفقیت ویژه‌ای داشته است، عوامل مؤثر در جذب سرمایه گذاری خارجی در مالزی عبارتند از:

- محرک‌های مالیاتی

- کیفیت نیروی کار

- آشنایی سرمایه گذاران خارجی با مالزی

- ثبات نسبی سیاسی

- پایین بودن دستمزدها

البته برخی عوامل از قبیل مقررات و سیاست‌های جدید اقتصادی، کوچک بودن بازار داخلی، تبلیغات منفی در رابطه با سرمایه گذاری شرکت‌های آمریکایی بر جذب سرمایه گذاری خارجی در مالزی اثرات منفی داشته است. به‌هرحال، سرمایه گذاران خارجی مالکیت پیکل صنایع مالزی را دارا می‌باشند. سرمایه گذاران خارجی در مالزی نسبت به انواع مختلف محرک‌ها از قبیل رقابت بین‌المللی، بیشتر از سرمایه گذاران داخلی عکس العمل نشان می‌دهند.

دولت مالزی در اجرای سیاست‌های تجاری خود با هدف توسعه سرمایه گذاری خارجی در کشور، برای آن دسته از شرکت‌های فراملیتی مرکز امور عملیاتی در مالزی تأسیس نمود و شرکت‌هایی که وضعیت آنها با شرایط در نظر گرفته شده برای مرکز امور عملیاتی مطابقت داشته باشد از پرداخت مالیات‌های مربوط به کسب امتیاز و واگذاری سود

ساختارهای اقتصادی تأکید بر این داشت که مسئولیت‌های غیر ضروری را بر سرمایه گذاران خارجی تحمیل ننماید و معتقد بود که نمی‌توان حدود شخصی را برای بازرگانی داخلی اختصاص داد و نمی‌توان شرکت‌های خارجی را به مشارکت یا همکاری با شرکت‌های داخلی مجبور نمود.

دولت سنگاپور با تشکیل مجمع توسعه اقتصاد در زمینه افزایش سرمایه گذاری با ایجاد ۲۲ دفتر در کشورهای آمریکا، ژاپن و اروپا تلاش‌های خود را تشدید نمود و ۱۱ صنعت حمایتی و ابتدایی را برای توسعه مشخص کرد، به طور کلی تجربه دوره‌های مختلف توسعه در سنگاپور نشان می‌دهد که یکی از سیاست‌های مهم و کلیدی دولت عبارت است از: تکیه بر بخش خصوصی، به ویژه شرکت‌های فراملیتی برای ایجاد هدایت سرمایه گذاری‌ها.

با توجه به جدول شماره (۱) سرمایه گذاری مستقیم خارجی در سنگاپور در سال ۱۹۷۰ معادل ۹۳ میلیون دلار بود که در سال ۱۹۹۷ به ۸۶۳۱ میلیون دلار رسید، رشد چشمگیر سرمایه گذاری مستقیم خارجی در سنگاپور از سال ۱۹۷۹ آغاز شد.

#### ۴- سرمایه گذاری مستقیم خارجی در مالزی<sup>۴۵</sup>

مالزی از دو قسمت غربی و شرقی تشکیل شده است و در برخی از سال‌ها رشد تولیدی بالایی را داشته است، به طوری که در سال ۱۹۸۹ رشد اقتصادی مالزی ۱۲/۶ درصد و نرخ تورم آن ۲/۸

۴۵ - برای مطالعه بیشتر به مأخذ شماره ۹

جایگزینی واردات و با توجه به امکان خلق مزیت نسبی در بلند مدت هدایت شده است و در بلند مدت با احراز مزیت نسبی، بر صادرات تأثیر مثبت گذاشته است. در ارتباط با واردات، اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کوتاه مدت معنی‌دار نبوده اما در بلند مدت به طور معنی‌داری مثبت است. این امر با توجه به عدم تأثیر FDI بر سرمایه‌گذاری خصوصی داخلی می‌تواند نشان‌دهنده افزایش وابستگی فعالیت‌های صادراتی به واردات کالاهای واسطه‌ای سرمایه‌ای و مواد اولیه، به تبع افزایش FDI باشد. البته خالص تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر تجارت کشور اندونزی براساس ضرایب تخمینی در بلندمدت به نفع صادرات می‌باشد.

#### تایلند

تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در تایلند بر مصرف و سرمایه‌گذاری خصوصی داخلی به طور معنی‌داری مثبت می‌باشد و در ارتباط با صادرات در بلندمدت مؤثر واقع شده است که این امر می‌تواند حکایت از اتخاذ استراتژی توسعه صادرات با تأکید بر خلق مزیت‌های نسبی باشد. البته، تأثیر مثبت FDI بر واردات در کوتاه مدت و عدم ادامه این تأثیر در بلندمدت بر این نکته تأکید دارد که کشور تایلند در بومی کردن فن‌آوری که به هدف توسعه صادرات، از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی وارد نموده، موفق بوده است. مناسب‌ترین شاهد این مدعا تأثیر مثبت و معنی‌دار این متغیر بر سرمایه‌گذاری خصوصی داخلی

سهام و حق مدیریت حداقل به مدت پنج سال معاف خواهند بود، معافیت مزبور می‌تواند مجموعاً تا ده سال تمدید شود، تصمیم‌گیری در این زمینه با وزارت دارایی مالزی می‌باشد.

در مجموع می‌توان کاهش میزان مالیات‌های مختلف را عاملی مؤثر در جذب سرمایه‌گذاری خارجی در مالزی تلقی نمود.

بر اساس جدول شماره (۱) سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در مالزی در سال ۱۹۷۰ معادل ۹۴ میلیون دلار بود که در سال ۱۹۹۷ به ۵۱۰۶ میلیون دلار رسید. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در مالزی در سال‌های ۱۹۷۴، ۱۹۸۰، ۱۹۸۹ و ۱۹۹۲ رشد ویژه‌ای داشته است.

#### نتایج تخمین در ممالک نمونه

بعد از تخمین الگو در بهترین حالت، نتایج برای هر یک از کشورها و براساس معادلات مربوطه، به قرار زیر می‌باشد:

#### اندونزی

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر مصرف خصوصی و سرمایه‌گذاری خصوصی داخلی، تأثیر معنی‌داری نداشته است. تأثیر FDI بر صادرات اندونزی در کوتاه مدت به طور معنی‌داری منفی بوده، اما در بلندمدت این تأثیر مثبت است که می‌تواند نشان‌دهنده جذب سرمایه خارجی در محیطی با گرایش به سمت توسعه صادرات ثانویه (جایگزینی صادرات) باشد. به عبارت بهتر، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، در فعالیت‌های

می‌باشد. گرفت. تنها، احتمال اتخاذ استراتژی توسعه صادرات وجود دارد.

## سنگاپور

در این کشور سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر مصرف خصوصی تأثیر معنی‌داری نداشته، اما بر سرمایه‌گذاری خصوصی داخلی به طور مثبت و معنی‌داری مؤثر واقع شده است. همین نتایج نشان‌دهنده تأثیر مثبت و معنی‌دار FDI بر صادرات و واردات در کوتاه مدت می‌باشد. البته خالص این تأثیر به نفع صادرات است. در ضمن FDI در بلندمدت به طور معنی‌داری بر صادرات مؤثر واقع نشده اما بر واردات این تأثیر منفی و معنی‌دار است. بر این اساس هر چند FDI در کوتاه مدت موجب افزایش واردات شده است، اما با توجه به تأثیر مثبت آن بر سرمایه‌گذاری خصوصی داخلی و صادرات می‌توان نتیجه گرفت اتخاذ استراتژی توسعه صادرات ثانویه در کشور سنگاپور در جذب فن‌آوری خارجی موفق بوده به طوری که در بلندمدت FDI تأثیر منفی بر واردات داشته است.

## مالزی

تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشور مالزی با سه کشور قبلی قدری متفاوت می‌باشد، به طوری که تأثیر FDI بر مصرف خصوصی مثبت بوده اما بر سرمایه‌گذاری خصوصی داخلی، با سه دوره وقفه مثبت است. صادرات با دو دوره تأخیر و واردات با یک دوره تأخیر اثر می‌پذیرند. در این ارتباط، از شرایط به کارگیری سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نمی‌توان به طور مشخص نتیجه معینی

جدول (۱): سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (میلیون دلار)

سال/کشور	اندونزی	تایلند	سنگاپور	مالزی
۱۹۷۰	۸۳	۴۳	۹۳	۹۴
۱۹۷۱	۱۳۹	۳۹	۱۱۶	۱۰۰
۱۹۷۲	۲۰۷	۶۸	۱۶۱	۱۱۴
۱۹۷۳	۱۵	۷۷	۳۵۳	۱۷۲
۱۹۷۴	۴۹	۱۸۹	۳۴۰	۵۷۱
۱۹۷۵	۴۷۶	۸۶	۲۹۲	۳۵۰
۱۹۷۶	۳۴۴	۷۹	۲۳۱	۳۸۱
۱۹۷۷	۲۳۵	۱۰۶	۲۹۱	۴۰۶
۱۹۷۸	۲۷۹	۵۶	۳۰۰	۵۰۰
۱۹۷۹	۲۲۶	۵۵	۸۳۶	۵۷۳
۱۹۸۰	۱۸۰	۱۹۰	۱۲۳۶	۹۳۴
۱۹۸۱	۱۳۳	۲۹۱	۱۶۶۰	۱۲۶۵
۱۹۸۲	۲۲۵	۱۹۱	۱۶۰۲	۱۳۹۷
۱۹۸۳	۲۹۲	۳۵۰	۱۱۳۴	۱۲۶۱
۱۹۸۴	۲۲۲	۴۰۱	۱۴۰۲	۷۹۷
۱۹۸۵	۳۱۰	۱۶۳	۱۰۴۷	۶۹۵
۱۹۸۶	۲۵۸	۲۶۳	۱۷۱۰	۴۸۹
۱۹۸۷	۳۸۵	۳۵۲	۲۸۳۶	۴۲۳
۱۹۸۸	۵۷۶	۱۱۰۵	۳۶۵۵	۷۱۹
۱۹۸۹	۶۸۲	۱۷۷۶	۲۸۸۷	۱۶۶۸
۱۹۹۰	۱۰۹۳	۲۴۴۴	۵۵۷۵	۲۳۳۲
۱۹۹۱	۱۴۸۲	۲۰۱۴	۴۸۸۷	۳۹۹۸
۱۹۹۲	۱۷۷۷	۲۱۱۳	۲۲۰۴	۵۱۸۳
۱۹۹۳	۲۰۰۴	۱۸۰۴	۴۶۸۶	۵۰۰۶
۱۹۹۴	۲۱۰۹	۱۳۶۶	۸۳۶۸	۴۳۴۲
۱۹۹۵	۴۳۴۶	۲۰۶۸	۷۳۸۶	۴۱۷۸
۱۹۹۶	۶۱۹۴	۲۳۳۶	۷۴۴۴	۵۰۷۸
۱۹۹۷	۴۶۷۷	۳۰۲۹	۸۶۳۱	۵۱۰۶

منبع:

IMF (1998); IFS

جدول (۲): معادله‌های الگو

$$(۱) GI = GE - GC$$

$$(۲) PI = GFC - (GI + FDI)$$

$$(۳) RPC = \frac{PC}{CPI} \times 100$$

$$(۴) RFDI = \frac{FDI}{PD} \times 100$$

$$(۵) RSFDI_t = \sum_{i=1970}^t RFDI_i$$

$$(۶) RGI = \frac{GI}{PD} \times 100$$

$$(۷) RPI = \frac{PI}{PD} \times 100$$

$$(۸) PX = \frac{X}{PX} \times 100$$

$$(۹) RM = \frac{M}{PM} \times 100$$

$$(۱۰) RER = ER \times \frac{PM}{PD}$$

$$(۱۱) RPC_t = \alpha_0 + \alpha_1 GDP_t + \alpha_2 RPC_{t-1} + \alpha_3 RFDI_t + \varepsilon_{1t}$$

$$(۱۲) RPI_t = \beta_0 + \beta_1 GDP_t + \beta_2 RGI_{t-1} + \beta_3 RFDI_{t-1} + \varepsilon_{2t}$$

$$(۱۳) PX_t = \gamma_0 + \gamma_1 GDP_t + \gamma_2 GDPT_t + \gamma_3 RER_t + \gamma_4 RFDI_t + \gamma_5 RSFDI_t + \varepsilon_{3t}$$

$$(۱۴) RM_t = \delta_0 + \delta_1 GDP_t + \delta_2 RER_t + \delta_3 REDI_t + \delta_4 RSFDI_t + \varepsilon_{4t}$$

جدول (۳): متغیرهای الگو<sup>۴۶</sup>

	نرخ ارز	=ER
(۱۹۹۰=۱۰۰)	شاخص قیمت مصرف‌کننده	=CPI

۴۶- آمار مربوط به کلیه متغیرها از مآخذ زیر استخراج شده است:

IMF (1997), IFS, United Nation

IMF (1998), IFS, United Nation

(۱۹۹۰=۱۰۰)	شاخص قیمت کالاهای صادراتی	=PX
(۱۹۹۰=۱۰۰)	شاخص قیمت کالاهای صادراتی	=PM
(۱۹۹۰=۱۰۰)	شاخص ضمنی تعدیل کننده GDP	=PD
به قیمت جاری	سرمایه گذاری مستقیم خارجی	=FDI
به قیمت جاری	کل مخارج دولت	=GE
به قیمت جاری	مخارج مصرفی دولت	=GC
به قیمت جاری	مخارج مصرفی بخش خصوصی	=PC
به قیمت جاری	تشکیل سرمایه ثابت ناخالص	=GFC
به قیمت جاری	صادرات کالاها و خدمات	=X
به قیمت جاری	واردات کالاها و خدمات	=M
(قیمت ثابت سال ۱۹۹۰)	تولید ناخالص داخلی واقعی	=GDP
قیمت جاری	مخارج سرمایه گذاری دولتی	=GI
قیمت جاری	مخارج سرمایه گذاری خصوصی داخلی	=PI
(قیمت ثابت سال ۱۹۹۰)	سرمایه گذاری مستقیم خارجی واقعی	=RFDI
(قیمت ثابت سال ۱۹۹۰)	انباشت سرمایه مستقیم خاری واقع	=RSFDI
(قیمت ثابت سال ۱۹۹۰)	مصرف خصوصی واقعی	=RPC
(قیمت ثابت سال ۱۹۹۰)	سرمایه گذاری دولتی واقعی	=RGI
(قیمت ثابت سال ۱۹۹۰)	سرمایه گذاری خصوصی داخلی واقعی	=RPI
	تولید ناخالص داخلی کشورهای طرف تجاری با کشورهای شرق آسیا <sup>۴۷</sup>	=GDPT
(قیمت ثابت سال ۱۹۹۰)	صادرات واقعی کالاها و خدمات	=RX
(قیمت ثابت سال ۱۹۹۰)	واردات واقعی کالاها و خدمات	=RM
	نرخ ارز واقعی	=RER

۴۷- به دلیل اینکه حجم عمده مبادلات کشورهای مورد مطالعه با کشورهای ژاپن و ایالات متحده انجام می‌گیرد در این مقاله با کمی اغماض GDPT از مجموع تولید ناخالص داخلی واقعی و این دو کشور ساخته شده است.

## منابع و مآخذ

- ۱- انجمن مدیران صنایع (۱۳۷۶)، «استراتژی توسعه صادرات صنعتی»، وزارت صنایع
- ۲- برادران شرکا نفی حمیدرضا و اکبر (۱۳۷۵)، «مختصری پیرامون امکانات جذب سرمایه‌گذاری از کشورهای حوزه اقیانوس هند»، پژوهشنامه بازرگانی، سال اول، شماره اول، صفحه ۱۲۸-۷۱
- ۳- رحیمی بروجردی علیرضا (۱۳۷۵)، «بررسی نظری و تجربی پیرامون تأثیر متغیرهای برونزا و درونزا بر فرار سرمایه‌گذاری خارجی ایران»، مؤسسات تحقیقات پولی و بانکی، تهران
- ۴- سیدنورانی سیدمحمد رضا (۱۳۶۸)، «بررسی عملکرد شرکت‌های چند ملیتی قبل از انقلاب اسلامی در ایران» پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۵- سیدنورانی سیدمحمد رضا (۱۳۷۴) «تجزیه و تحلیل اقتصادی تأثیر سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی بر اقتصاد ایران»، پایان‌نامه دکتری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۶- مؤسسه عالی پژوهشی در برنامه‌ریزی و توسعه (۱۳۷۵)، «تجربه توسعه در شرق آسیا (مجموعه مقالات)»
- ۷- نفی اکبر (۱۳۷۳)، «سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی شرکت‌های چند ملیتی آمریکا (۱۹۹۰-۱۸۹۷)» مجله اقتصاد مدیریت، شماره ۱۸، صفحه ۷۷-۵۵
- ۸- تودارو، مایکل، «توسعه اقتصادی در کشورهای جهان سوم» ترجمه دکتر غلامعلی فرجادی، انتشارات سازمان برنامه و بودجه سال ۱۳۷۰
- ۹- وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت امور اقتصادی، «سرمایه فیزیکی خارجی و روش‌های جذب آن» ۱۳۷۴، صفحه ۱۴۶
- ۱۰- طلایی محسن، «کارکرد یک الگوی رشد»، سنگاپور، دانشکده اقتصاد، ۱۳۶۷، صفحه ۱.
- 11- J. Coyne Edward (1995), Targeting the Foreign Direct Investment, Boston/ Dordrecht / London, PP. 15-36
- 12- UNCTAD (1997), World Investment Report, New York & Geneva, United Nation, PP. 1-90
- 13- I. M. F (1998), I.F.S, United Nation
- 14- I. M. F (1998), I.F.S, United Nation
- World Bank (1993), Foreign Direct Investment Benefits begonal Finance, Development Brief, April
- 15- World Bank (1991), World Development Report
- 16- Kojima (1990), Japanese Direct Investment abroad, In ternational Christian university.
- 17- WTO (1996), Trade and Foreign Direct Investment, Annual Report, Vol. 1, PP. 43-81
- 18- Tayyeh Shabbir (1992). The Effects of Foreign Private Investment On Economic Growth in

Pakistan, development Review.

- 19- K. Jansen (1995), Macro Economic Effects of FDI in Thailand, World Development, Vol. 23, No. 2, PP. 193-210
- 20- M. Blomstrom & R. E. Lipse (1981), the Export Performance of Vsand Sweclish Multinational, Reviw of Incom and Wealth, Vol 35, PP. 245-267
- 21- C. Santiago (1987), the Impact of Foreign Direct Investment on Export Structure and Employment Generation, World Development, Vol. 15, No. 3, PP. 317-328
- 22- H. Hill (1990), Foreign Direct Investment and East Asian Economic Development Asian, Pacific Literature 4; PP. 21-58
- 23- Kaheley W.J. (1990), Foreign Direct Investment: What are the benefits, Regional Science, Prespediv.
- 24- Naya S. & Ramstetter E. D (1992),Forein Direct Investment in Asians Developing Economies and Trade in the Asian and Pacific Region, United National, Development Papers No. 10
- 25- Zainuddin (1994), Foreign Direct Investment in East Asia, World Development, PP. 732-751
- 26- UNCTAD (1996), Division on TNC and Investment
- 27- Longtsai P. (1996), Foreign Direct Investment and Inequality: Further Evidence, World Development, Vol. 23, No. 3, PP. 469-483
- 28- C. chen, C. chang & Y. zhang (1995), the Role of Foreign Direct Investment in China,s Post - 1978 Economic Development, World Development, Vol. 23, No. 4, PP. 691-703
- 29- M. Motta & G. Norman (1996), Does Economic Integration Cause Foreigne Direct Investment?, International Economic Review, Vol. 37, No. 4, PP. 757-783.
- 30- P. Karasz (1996), Foreig Investment in Slonakia and its Macroeconomic Impact, FDI and Transition the Case of the Visegrad Countries, Budapest, PP. 97-101.
- 31- E. M. Graham (1996), On the Relationship Among Direct Investment and International Trade in the Manufacturing Sector, Empirical Results for the U.S. and Japan, Unpublished
- 32- R. Barrell and N. Pain (1997), Foreign Direct Investment Technological Chang and Economic Growth Within Europe, the Economic Journal, Vol. 107, No. 445, PP. 1770-1786
- 33- F. Barry and J Bradley (1997), FDI and Trade the Irish Host Country Experienc Economic Journal, Vol. 107, No. 445, PP. 1798 1811



- 34- T Bayouci and G. Lipworth (1997), Japanese Foreign Direct Investment and Regional Trade, IMF Working Paper (wp 97/ 103)
- 35- S. Pattanaik and B. N. A. Swamy (1997), Foreign Direct Investment in India, Asia Pacific Tech Monitor, Vol. 14, No. 5, PP. 27-35
- 36- Shahrestani. H. The Impact of us. Foreign Direct Investment on Canadian Economy, university of Cincinnati- 1984
- 37- Huib Poot, and Others Industrialisation and Trad in Indonesia, 1990 p. 233
- 38- Mohammad Sadli, "The Private and State Enterprise Sector in Indonesia" the Indonesian Quarterly Vol. 16. No: 2, 1988, P. 209